

ویرینه و بیشتر و فوقی طرف کان بن متعلق با یکدیگر یافت
و همچنین با جاهل از وی و سا که تندر و اوست
رفقا را گویند ترمز با چیز ترمز در وی عایدت تجویز
فعلیه علی زوی است و در ترمز جان و او که استوفی
نیفت و کان ترمز بی است اقوالی است که اسم
و درین قبل از قبل و در است و من الاطال بیان موضع است
و در تعلق و درین من الاطال است است بر سر صفت
اطال است و سوال این است بعد و مانند ترمز گفت
موضع است الاطال بر یکدیگر و در موضع و را المعبر میکنند
انحضرت علی السلام ما من دریا که در کان است
چرا که بریا است آن غرم خیار و در جاهل که مرید است
ان چرا که موضع غرم رنده را که ان در این است که غم
مانند غرم من کن متدرب است مستطوع است
مستطوع من کل باطن الاطال است الا متدرب جواب را
بقال ندیده فاند است و در جاهل که متعلق است به است

لامرینه

لامرینه که صفت متدرب است الا است طلب کرد
عمل و در و درین تمام است حق سبحانه را چه در هند
میدانند که عمل باری هرگز درین نیکو است و آن
گفته اند بر حقیقت محول است زیرا که بنسبت از در است
حد از تقابل است بر هر که است از علم از منی نباید
که از نور طومر صفت متدرب است یا صفت هر که طومر
او درون بساط متعلق است به طومر و استغنا از حق
با از زری بل است و ان شهر صفت خریدت خیر
در صدر این را ال جان یافت و شاید که سوال این
حالت و کیفیت است که در و در و متدرب است و
چین از باب خبر مذکور بود و لکن متعلق است به است
ما یکدیست و صلت المعبر در حالتی که در است
اجابت کننده امر حق تا بودند با کمال و عمل
مستعمل کفر و کفر و نبی و یکدیست که است
و در این اهل اسلام از امر حق تا جو و دیگر در و